

عنوان مقاله:

جایگاه انسان کامل در اندیشه مولانا بیدل دهلوی

محل انتشار:

دومین همایش بین المللی شرق شناسی، مطالعات ایرانی و بیدل پژوهی (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

حامد فرجی - مدرس مرکز آموزش زبان فارسی و معارف اسلامی وابسته به جامعه المصطفی العالمیه

بهاءالدین اسکندری - دانشیار و عضو هیات علمی جامعه المصطفی العالمیه

خلاصه مقاله:

عارفان مسلمان در تبیین هستی و ارتباط عالمی سرشار از کثرت ها و ترکیب ها با خداوند به عنوان هستی صرف و وجودی یگانه و فارغ از هرگونه ترکیب و نیز هدف از آفرینش انسان و مسیر کمال و رستگاری او با طرح نظریه تجلی هم در قوس نزول و هم در قوس صعود گامی بلند برداشتند. این تفکر با ظهور ابن عربی به نظامی منسجم و سازوار و کارآمد تبدیل شد و پس از او در مکتبی که خود پایه نهاده بود و توسط شاگردان مکتب او بسط و توسعه یافت و به تفکری غالب بدل شد. در این نظام و برای نخستین بار توسط خود ابن عربی نظریه انسان کامل مطرح شد که به ویژه با دستگاه فکری شیعیان سازگاری بسیاری داشت و خود موبدی بود بر باور مکتب تشیع در باب جایگاه ایمه اطهار. بیدل به عنوان شاعری عارف که ساختار فکری او در مکتب ابن عربی شکل گرفته در منظومه های خویش به ویژه در مثنوی محیط اعظم در کنار مباحث عرفانی بسیاری که مطرح ساخته از انسان کامل نیز سخن گفته است. از آنجا که به نظر می رسد حرف های این باب پیش از بیدل تمام شده است بیدل در این عرصه حرف جدیدی ندرد همچنان که بسیاری دیگر نیز. هنر بزرگ او ترسیم همان گفته ها در زبان شعر است بویژه با بیان سنگین و پیچیده ای که متأثر است از سبک هندی و در روزگاری که شعر دچار عوام زدگی است و بسیاری از شاعران بیبهره از فضایل علمی، و این البته هنر کمی نیست

کلمات کلیدی:

انسان، تجلی، انسان کامل، وحدت وجود، بیدل

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/830462>

